فهرست

[اصول/ سیره عقلائیه 2](#_Toc123473733)

[پیشگفتار 2](#_Toc123473734)

[سطوح سیره متشرعه 2](#_Toc123473735)

[سطح اول 2](#_Toc123473736)

[نقد بر شهید صدر 4](#_Toc123473737)

[سطح دوم 4](#_Toc123473738)

[خلاصه بحث 5](#_Toc123473739)

[انتقال از سیره معاصر به سیره عصر معصوم 6](#_Toc123473740)

بسم الله الرحمن الرحیم

# اصول/ سیره متشرعه

# پیشگفتار

بحث در حجیت سیره متشرعه بود در آغاز مقدماتی ذکر شد و دیروز به دلیل حجیت سیره متشرعه پرداختیم.

کلام مرحوم شهید صدر را نقل کردیم و نکاتی مطرح شد و ان‌شاءالله امروز آن را تکمیل خواهیم کرد در الفائق در صفحه ۱۳۰ المقام الثانی، حجیة السیرة المتشرعه به این بحث اختصاص داده شده است که تا حدی آن نکته‌ای که در کلام شهید صدر بود اینجا بازتر شده است و به این بیان آمده است که با سه روش می‌توان سیره متشرعه را حجت قرار داد که روش اول برهان إنی است که با تقریری که در کلام شهید صدر در بحوث آمده بود و تقریر دوم همان ‌عدم ردع شارع است شبیه آنچه در سیره عقلا می‌گوییم

# سطوح سیره متشرعه

آنچه دیروز عرض کردیم این بود که سیره‌های متشرعه را در دو سطح می‌توان حاکی از رأی شارع دانست این دو سطح متفاوت است گرچه نقاط مشترک هم دارند

در اینجا به عنوان دلیل اول و دوم آمده است و ما به عنوان سطح اول و دوم طرح کردیم

## سطح اول

در سطح اول این است که شواهد بیشتری و قواعد بیشتری بتوانیم به دست بیاوریم که اثبات بکند که این روش متشرعه و آن سبک عملی که از آن‌ها صادر می‌شده است و برای آن‌ها شکل گرفته بوده است این روش و سبک مثل جهر در نماز جمعه، جهر در صلوات لیلیه، این ناشی و منبعث از خود شارع است یعنی با اشاره خود شارع شکل گرفته است و الهام گرفته از هدایت شارع است.

این یک راه است که در سیره متشرعه می‌شود پیاده کرد منتهی گفتیم در این سطح و به این معنا بخواهیم سیره متشرعه را حجت قرار بدهیم و بگوییم الهام از شارع گرفته است شبیه اجماع قولی ناشی از شارع است و ملهَم از شارع است و منبعث از اراده و اشاره شارع است این می‌شود ولی شواهد محکم و قوی می‌خواهد

به صرف اینکه بگوییم در زمان معصوم متشرعان چنین رفتار می‌کردند در نماز و روزه و در حج و در اعمالشان، و بگوییم که این چگونه رفتار کردن آن‌ها ملهَم از شارع است منبعث از شارع است مستند به شارع است، شارع آن را اشاره کرده است و نشان داده است این شدنی است اما قرائن خیلی محکم و قوی می‌خواهد شبیه آن اجماع قولی می‌خواهد در اجماع قولی هم این‌طور است که اجماع بزرگان در صدر اول بخواهد حاکی از رأی معصوم باشد این شدنی است اما علی الاطلاق بخواهد این را بگوید نمی‌تواند بگوید.

ممکن است شواهدی جمع بشود و ما را به این نتیجه برساند که این که ده پانزده نفر از بزرگان قرن سه و چهار چنین فرمودند این‌طوری است که ما را مطمئن می‌کند که از معصوم صادر شده است یا روایات معتبری داشته‌اند واضح بوده است و از دست رفته است یا روایت مضبوط و مکتوبی نبوده است که در اصول و منابع بیاید سینه‌به‌سینه ملهَم از امام است.

همان‌طور که در اجماع قولی نمی‌شود نفی کرد حکایت‌گری آن را از قول معصوم و نمی‌شود هم مطلقاً آن را پذیرفت بلکه باید قائل به تفصیل شد و گفت مواردی هم که خیلی هم زیاد نیست شواهدی جمع می‌شود که آدم را مطمئن می‌کند که این سخن مورد اتفاق همه یا جمع کثیری از فقها در آن طبقات اول حکایت‌گر از رأی معصوم است این فی‌الجمله می‌شود این در سیره متشرعه مستند به شارع، نه صرف مرئی و منظر و عدم ردع.

بزرگانی در این مجموعه هستند یک سیره مردمی عام نیست رجال مثل زراره در این جمع هست مثل علی بن ابراهیم هست رجال ثقه و معتمدی هستند اینها مجموعه شواهدی هستند که جمع می‌شوند و انسان را به اطمینان می‌رساند.

بنابراین ما سطح اول از حجیت سیره متشرعه این است که شواهدی جمع بشود ما را به اطمینان برساند که این رفتار منبعث از شارع است بما هو شارعٌ نه اینکه رفتاری است که از متشرعه به عنوان رفتارهایی که طبعشان و شرایط اجتماعی اقتضا می‌کرده است و امثال اینها صادر شده است.

فی‌الجمله این را قبول دارم پیمودن مسیر اول برای اینکه بگوییم سیره متشرعه ملهم و مستند به شارع است و حکم ترجیحی می‌آورد نه اباحه فقط، می‌گوید این ترجیح دارد در حد ترجیح مطلق یا حتی گاهی الزام این در عبادات آسان‌تر است، ولی به مجرد اینکه در عبادات باشد نمی‌شود چنین حرفی را زد باید قرائن دیگری هم به آن افزوده بشود که آدم را به اطمینان به ملهم بودن از شارع و ناشی بودن از شارع برساند.

این نکته را خیلی باید توجه داشت که ممکن است رفتارهایی صادر بشود و بازتاب داشته باشد در زندگی دینی، از عبادات و شعائر و از این قبیل که کم کیف از شارع ملهم نیست بلکه در اجواء شرع این شکل می‌گیرد یا چیزهایی است که طبع ناشی از اجواء شرعی است در اجواء شرعی آدم‌ها می‌روند به سمتی که شب جمعه مراسمی داشته باشند و دعای کمیلی بخوانند روضه خانگی داشته باشند این مراسم‌های گوناگون شکل بگیرد و در طول زمان هم تفاوت پیدا می‌کند اینها همه در اجواء شرعی و تحت تأثیر الهامات و احکام شرعی شکل گرفته است نه اینکه این اشکال از شارع باشد این از طبع شرعی شکل گرفته است.

اجتماع شواهدی در مواردی ممکن است ما را به اطمینان برساند که احتمال دارد این از معصوم صادر شده است شواهد این است که عبادت باشد، آن کیفیت حالت‌های متفاوت داشته باشد، ثابت بشود بزرگان آن عصر همین شکل عمل می‌کردند و همراه با ارتکاز هم هست، ارتکاز نمی‌گوید ما خودمان طبع شرعی‌مان اقتضا کرد گاهی این‌طور می‌شود و البته زیاد نیست.

از قبیل طبع عقلایی عادی نیست، طبعی است که در شرع شکل گرفته است و فراتر از آن ادله می‌گوید این ناشی از آن بخش است.

حتی طبع نبودن خود مؤید است، اینها قرائنی است که می‌تواند جمع بشود و در مواردی آن را مستند به شارع بکند و حکم را فراتر از اباحه تولید بکند یعنی استحباب بیاورد یا حتی وجوب بیاورد.

## نقد بر شهید صدر

یکی از نقدهای ما به شهید صدر این بود که اگر می‌خواهید این برهان انی و استناد را بگویید که وسط کلام از این فاصله گرفته است به صرف این حساب احتمالات کمی نمی‌شود به این رسید که اکثریت زمان امام صادق علیه‌السلام این‌جوری رفتار می‌کردند پس این‌گونه است این اکثریت ممکن است در چارچوب اجواء شرعی و منبعث آن جو شرعی و طبع متشرعی باشد نه منبعث از الهام شارع برای اینکه از آن به اینجا بیاییم فاصله زیادی باید طی کنیم و این را نه می‌گوییم نیست و نه می‌گوییم هست و به‌سادگی می‌شود در مواردی می‌شود.

این یک سطح است که ما می‌گوییم گاهی و نادراً می‌شود سیره متشرعه‌ای را پیدا کرد که با تجمیع قرائن و شواهد کمی و کیفی ما را به اسناد این عمل به شارع برساند و همراه با ارتکازات هم باشد و بتواند وجوب و استحباب و کراهت را افاده بکند.

این باب فی‌الجمله باز است و فقیه باید روی این هم محاسبه بکند که این‌جور سیره‌ای وجود داشت یا نداشت ولی این سیره باید در عصر معصوم باشد و با قرائنی همراه باشد که این الهام گرفتگی را اثبات بکند که این ملهم از آن است.

## سطح دوم

اینجا به عنوان دلیل دوم به شمار آمده است اینکه این‌جور قرائنی جمع نباشد که این عملکرد و این نوع رفتار و سبک را شارع بنیان گذاشته و قرار داده و به آن هدایت کرده است و نتوانیم اثبات کنیم که خرط القتاد بود و در مرحله اول بود

اما می‌شود گفت که مثل سیره عقلا اینجا یک رفتار عامی پیدا شده است که در مرئی و منظر معصوم بوده است همه در مرئی و منظر معصوم این‌جور رفتار می‌کردند ولو اینکه خود معصوم این‌جور پایه‌گذاری نکرده است یا خود معصوم هدایت به این رفتار نکرده است که جهر بخوان یا اخفات بخوان به آن سطح نمی‌رسد ولی این را احراز کردیم مثل سیره عقلا در معاطات یا قاعده ید و امثال آن این سیره در فضای احکام و عبادات وجود داشته است.

مردم در آن زمان خود را مقید نمی‌دانستند که حتماً در نماز جمعه شرکت کنند این را نمی‌گوییم از معصوم گرفته است این در فضای شرعی تقید نبوده است.

یا اینکه مثلاً در هنگام استقبال انگشت‌ها به شکل دقیق محاذی قبله باشد می‌ایستاده است که آدم‌ها فرق دارند در انحنای ایستادن و شکل پا یا اینکه در رکوع این شکل انحنای کامل نود درجه‌ای نبوده است یا وقتی وضو می‌گیرند این کجا را می‌شوید و این دقتی که در بحث فقهی وجود دارد که کجای آرنج باشد چنین دقتی نبوده است

در این سطح دوم و دلیل دوم می‌گوییم رفتارهایی هست که در زمان معصوم در محیط شرعی و در مقام امتثال شرعی از متشرعه بما هم متشرعه صادر می‌شده است که این رفتار یا جنبه عقلایی نداشته است عقلا چنین چیزهایی نداشته‌اند چون موضوع آن برای آن‌ها مصداق نداشته است یا اگر هم جنبه‌های عقلایی دارد در مسائل شرعی متشرعه اجرا می‌کند و سریان و جریان دارد در مرئی و منظر معصوم است و معصوم ردع نکره است

این سطح دوم رفتارهای صادره از متشرعه در مقام انجام تکالیف یا رفتارشان که تقید به شرع هم دارند و انجام دادند و شارع دیده است و ردع نکرده است این را می‌شود از باب‌ عدم ردع که حاکی از امضا است به شارع نسبت داد. این باب کمی بازتر است و آن قرائن دشوار سطح اول را نمی‌خواهد

البته این دومی بعد از عدم ردع و کشف امضا مستند به شارع می‌شود نه اینکه خود شارع این را بنیان‌گذاری کرده است، شارع دیده است و چیزی نگفته است می‌گوییم حرفی ندارد.

اسناد این سطح دوم به شارع اسناد ضعیف‌تری است به این معنا که ملهم نیست مثل احکام امضایی می‌شود احکام تأسیسی و امضایی باهم تفاوت دارد احکام تأسیسی شبیه اول است که خود شارع بنیان گذاشته است اما احکام امضایی را آنچه بوده است را شارع قبول کرده است و در این نوع دوم که نتوانستیم قرائنی به شکل اول جمع کنیم می‌گوییم در مرئی و منظر شارع بوده است و ردع نکرده است پس شارع این را قبول دارد.

و خیلی از مباح‌ها و ترخیص‌ها در نوع امتثال تکالیف با همین ثابت می‌شود یا شواهدی پیدا کردیم که زمان معصوم این‌طور بوده است یا می‌فهمیم که در مقام امتثال این دقت‌های این‌جوری در وضو و تیمم و غسل و حج و امثال اینها انجام نمی‌شده است، ریزه‌کاری‌هایی که در طواف وجود دارد خیلی با همین وجه نفی می‌شود معلوم است که وقتی طواف می‌کردند دور خانه خدا را می‌گشتند این‌قدر دقت بکنند که شانه‌اش این‌جوری باشد معلوم است که نبوده است با این ثابت می‌شود که این ریزه‌کاری‌ها در مسئله مدنظر نیست.

الی ماشاءالله از سیره‌هایی برخورداریم که مطمئن هستیم این‌طور بوده است و ردعی از آن‌ها انجام نشده است بنابراین شارع آنجا عنایت خاصی ندارد

منتهی‌ عدم ردع علی‌الاصول اباحه را افاده می‌کند در عین اینکه همین‌ عدم ردع با ارتکازاتی همراه بشود و بیش از اباحه را افاده بکند راه بیشتر از اباحه اینجا بسته نیست ولی علی‌الاصول اباحه هست.

# خلاصه بحث

این دو سطح از سیره‌های متشرعه که به شکل دو دلیل اینجا ذکر شد به این ترتیب شد

۱- در یک سطحی سیره با یک مجموعه‌ای از شواهد از چنان قوتی برخوردار می‌شود که می‌گوید این‌ عدم ردع و امضا ندارد و چیزی بالاتر از این است «منه» است که مستند به شارع می‌شود

۲- اینکه در آنجا ما به راحتی اگر شواهد جمع شد می‌توانیم ترجیح و الزام و فراتر از اباحه را اثبات بکنیم و نکته دیگر در اولی این است که حضور نخبگانی در اولی خیلی مهم است عامه مردم به‌سادگی نمی‌تواند ما را به آنجا برساند ولی وقتی بگوییم بزرگانی در آنجا بودند که آقای صدر هم به آن اشاره دارد اما در سطح دوم که اسناد به شارع از باب‌ عدم ردع و امضا است نخبگانی نیست عامه مردم این‌طور رفتار می‌کردند و از این جهت راحت‌تر است اما برد آن بیشتر اباحه است علی‌الاصول اباحه است و اسناد آن به شارع از باب‌ عدم ردع است که حاکی از امضا است. این سطح دوم است که اینجا متصور است

سطح اول گاهی علاوه بر الزام و ترجیح اباحه خاصی افاده کند که بفهمیم با قرائن که خود شارع خط داده است که اباحه بیاید

مطلب مهم‌ عدم ردع کاشف از امضا می‌افتد در مسیر عدم ردع کاشف از امضا که حدود ده دلیل داشت که آن‌ها را باید اینجا تطبیق داد ممکن است در تطبیق آن ادله در اینجا نکاتی پیدا بشود ولی علی‌الاصول برای اینکه ما از عدم ردع شارع به امضا برسیم باید به مسیری برسیم که حدود ده دلیل ذکر شده بود

# انتقال از سیره معاصر به سیره عصر معصوم

مطلب دیگر این است که از سیره‌های معاصر به سیره عصر معصوم عبور کنیم

در این سطح دوم می‌گوییم معصوم شاهد بود و موضع نگرفت پس نظر مخالفی ندارد این باید در عصر معصوم باشد، آیا سیره‌های متأخر می‌تواند آینه‌ای از سیره عصر معصوم باشد یا خیر؟ الکلام الکلام

آنجا مباحث دقیقی مطرح کردیم و برای این که بگوییم سیره امروز حاکی از عصر معصوم است.

البته اینجا فکر می‌کنیم که در سیره‌های متشرعه یک دشواری بیشتری دارد در سیره‌های عقلایی راحت‌تر می‌شد به نکات عقلایی رسید و نتیجه گرفت این نکات عقلاییه علی‌الاصول در عصر معصوم هم بوده است و لذا سیره هم آن وقت بوده است

همان وجهی که امروز این سیره را تولید می‌کند علی‌الاصول در عصر معصوم هم بوده است این یکی از راه‌هایی بود که بگوییم سیره امروزین آینه‌ای است اثبات‌کننده سیره دیروز و عصر معصوم با تأکید بر اینکه نکته پایه و مولد چیزی عقلایی و همیشگی است

خود اینها مشکلاتی دارد ولی گفتیم فی‌الجمله می‌شود پذیرفت این کلام در سیره متشرعه هم وجود دارد ممکن است مواردی باشد که سیره متشرعه یک وجه پایه عقلایی داشته باشد یا یک وجه متشرعه‌ای داشته باشد که بگوییم امروز هست علی القاعده آن زمان هم این‌طور بوده است هیچ نکته‌ای که بگوید فرق کرده است نیست ما درعین‌حال خیلی مشکل است شاید در سیره متشرعه این مشکل‌تر هم باشد برای آن نکته‌ای که روز اول گفتیم بسیاری از این آداب و سلوک در اثر امتزاج طبع افراد و شرایط اجتماعی و نیازهای اجتماعی و آن احکام شرعی است که یک سبک‌هایی تولید می‌کند که ریشه در خود عنایت اولیه شارع و حکم شارع ندارد اقتضای زمانه است که روضه خانگی شکل گرفته است، روضه مجازی شکل گرفته است یا اجتماع برای کذا پیش آمده است

اما تقید به موازین و احکام شرع است، روحیه تعبد و شرعی داشتن است اما جلوه آن جلوه جدیدی است و نمی‌شود گفت این شکل از اعمال آن روحیه در قالب آن رفتار و نوع خاص و کیفیت خاصی از رفتار امری است که همیشگی است و زمان معصوم هم بوده است، خیر احتمال آن که باشد که امر متجددی است نمی‌شود گفت که آن زمان هم بوده است و مورد ردع نشده است و امضا شده است.

صلی الله علی محمد و آل محمد